

کوچه به کوچه در کنار شعر

نقد گفتارهایی بر برخی آثار عبدالعظیم صاعدی

www.ketab.ir

رمضانعلی ابراهیم زاده کرجی

سرشناسه : صاعدی، عبدالعظیم، ۱۳۲۴ - مصاحبه‌شونده

عنوان و نام پدیدآور : کوچه به کوچه در کنار شعر: نقدگفتارهایی بر برخی آثار عبدالعظیم صاعدی/

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی،

مشخصات نشر : تهران : آوای کلاز، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری : ۲۶۲ص.

شابک : 978-600-226-280-6

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

عنوان دیگر : نقدگفتارهایی بر برخی آثار عبدالعظیم صاعدی.

موضوع : صاعدی، عبدالعظیم، ۱۳۲۴ - مصاحبه‌ها

موضوع : شاعران ایرانی - قرن ۱۴ - مصاحبه‌ها

موضوع : Poets, Persian -- 20th century -- Interviews

شناسه افزوده : ابراهیم‌زاده گرجی، رمضانعلی، مصاحبه‌گر

رده بندی کنگره : PIR ۸۱۳۱

رده بندی دیویی : ۸۱۶۳

شماره کتابشناسی ملی : ۷۶۵۷۲۵۱

کوچه به کوچه در کنار شعر رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی

ناشر : آوای کلاز

طراح جلد : فرزاد فتحی

صفحه‌آرایی و تنظیم : سامان

نوبت چاپ : نخست ۱۴۰۰

لیتوگرافی، چاپ : کانون آکهی و تبلیغات آوای کلاز

شمارگان : ۱۰۰۰

قیمت : ۷۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

تهران - انتشارات آوای کلاز - ص.پ: ۶۵۵-۱۹۵۸۵

تلفکس: ۲۲۵۸۹۲۳۴

www.anmah.ir

avayekelar@ymail.com

فهرست

۵	مقدمه
۱۱	عبدالعظیم؛ روزگار دور - دورتر
۲۷	صاعدی، نویسنده اولین زمان مذهبی
۴۱	«دارالکتب الاسلامیه» ناشر مجموعه شعر «سلام بر بعثت» بود
۵۹	تمرین زبان و بافت نو در دفتر شعر «کلید هفت آسمان»
۶۹	ساواک «غنچه‌های سرخ سجود» را در چاپخانه پوزر کرد
۸۳	سخن همیشه‌ی صاعدی این است: «فقط عشق می‌تواند»
۱۰۳	پاییز در چشم دل صاعدی شاعر
۱۱۳	رکوع پلک‌هایم تماشایی است
۱۲۵	افشای یک تجربه، در «باغ پیراهن تو بود»!
۱۴۵	حاج محمدباقر توکلی با شاکله‌ای به «ارتفاع بیدار عشق»
۱۷۱	«آخرین کلام خاک»؛ زمین از حجت خدا خالی نیست
۱۹۳	پاییز تهمتن فصل‌ها
۲۲۵	«وقت هلاک خواب» و مانیفست شاعر
۲۳۵	«وقت هلاک خواب»؛ بدعت در عادت
۲۵۱	بند پایانی
۲۵۶	معرفی دو بانوی شعر؛ پروین و فروغ

مقدمه

بند اوّل

حاصل چهارده نوبت نشستن با هم برای گپ و گفت درباره ۱۲ کتاب صاعدی همین شد که قبل عنوان «کوچه به کوچه درکنار شعر - نقد گفتارهایی بر آثار عبدالعظیم صاعدی» می خوانید.

«بسم الله» نشست را در ۱۵ آذرماه ۱۳۸۹ در منزل صاعدی در کوچه ۶۳ خیابان سیدجمالالدین اسدآبادی (یوسف آباد) گفتیم و فاتحه آخرین جلسه را زیرسقف همین پلاک خواندیم؛ ۲۸ مهر ماه ۱۳۹۰.

اولین جلسه، تفسیر درباره تحصیلات و چگونگی ورود به گستره نویسندگی و شاعری گذشت. دو جلسه پایانی را «وقت هلاک خواب» به خود اختصاص داد.

قرار بود این گفت وگوهای ساده و خودمانی در طرح بزرگتری بگنجد و کتابی فراهم آید با محتوای معرفی و بررسی آثار صاعدی به همراه زندگی نامه ای از وی با مشارکت چند تن از سن و سال دارها و جوانترها. قرار بعدی این بود؛ پس از آماده سازی و چاپ و انتشار کتاب آرزوها! جلسه عمومی رونمایی از کتاب تبدیل به رونمایی از عبدالعظیم

هم بشود، اما چنین نشد و این ماه از محاق درنیامد.

البته مثل همیشه، صاعدی از آفتابی شدن ابا دارد، شاید به این سبب وظیفه‌اش را برای برخی از پی‌گیری‌ها رها کرد، بعد همبند شدن با بیماری و به ملاقات تیغ جراحی رفتن، برنامه نانوشته را مختل کرد و این گفت‌وگوها نیز در تایپ خانه ماندگار و هشت سال به خواب اصحاب کهفی فرورانده شد.

پس از هشت سال، ناگهان صاعدی در ایام کروناویروس در کرنای دمید که وقتش رسیده برای گرد و خاک تکانی از اوراق معلق. برای تکمیل این گزارش باید اضافه کرد:

یکم؛ گفت‌وگوها روی نوار کاست ضبط شد (شاید این نوار کاست‌ها آخرین نسل این نوع نوارها باشد که بدرد موزه می‌خورد!)
دو دیگر؛ صحبت‌ها را از نوارها روی کاغذها ثبت کردیم.
سه دیگر؛ نرمه ویرایشی با هدف حفظ ملاحت گفت‌وگوها صورت گرفت.

چهارم؛ ... سرانجام حاصل آن نشست‌ها چنین از آب درآمد و در اختیار شما قرار گرفت.

پنجم؛ این گپ‌وگفت‌ها را هرچه می‌خواهید، بنامید، نقد یا غیر نقد! اما لازم است که عرض شود، نه ترکیبی از تعارف یا رودربایستی یا نق زنی است و نه البته حامل و حاوی خاصه خرجی برای از تاقچه به رف نشاندن صاعدی؛ زیرا آنانی که عبدالعظیم را می‌شناسند می‌دانند که نیازی به چنین تحفه‌های تلخ ندارد و- شکرخدا- این بنده نیز عادت به نشاندن شاخه گل‌های مصنوعی در گلدان سفالین لاله جین نکرده‌ام،
حاشا و کلاً

ششم؛ باید متمم پنجم باشد؛ ای کاش پس از پایان این نشست‌ها

ماحصل زودتر و در همان ایام به دست خوانندگان گرامی می‌رسید که نرسید. روشن است در مدت هشت سال در اطلاعات آدمی تغییری به وجود می‌آید، نگرشش در مواضعی تحول می‌یابد، به برخی از آثار از چشم‌انداز تازه می‌نگرد و به نکته‌های نو می‌رسد، یا و یا و یا...

هفتم؛ اکنون و در ایام کروناویروسی و خانه نشینی و حمل داغ عزیزی در حادثه‌ای عجیب و غریب در جهانی که بیت العجایب است مانند همین کووید ۱۹ که همه محاسبات بنی بشر را به هم زد و ریز و درشت و فقیر و غنی را درهم آمیخت و باشد تا مایه عبرت‌ها گردد، پس بهتر است محتوا نیز گویای تاریخ دوره خودش باشد و متغیر زمان و فکر در آن تأثیر نکند.

و هشتم؛ صلی الله علی محمد و آل محمد!

بند میانی

با عبدالعظیم کی آشنا شدم؟ نمی‌دانم! شاید در دهه هفتاد شمسی. می‌دانم که این آشنایی سبب خیر شد؛ در مؤسسه کیهان، در هفته نامه کیهان هوایی، در بخش فرهنگی قلم می‌زدم و برای اول هر ماه ضمیمه «ادب و هنر» را هم تدارک می‌دیدم. صاعدی با بچه‌های ادب و هنر روزنامه کیهان رفاقت داشت، به کیهان می‌آمد و راه کیهان هوایی را یاد گرفت. شعر و نوشته‌هایی به هفته‌نامه می‌داد، کم کم انس پیدا کردیم. ویژگی صاعدی این بود که مطالبش را می‌بایست، خودش بخواند و قبل از صفحه بندی غلط گیری کند. با دقت می‌خواند و با وسواس حروف چینی را (آن موقع رایانه نبود) تصحیح می‌کرد.

دو کار مهمش را در کیهان هوایی به یاد دارم، یکی ستونی بود با عنوان قشنگ «شهاب‌های شکفتن و گفتن» که در شماره‌های متعدد ادامه

یافت. متن‌های کوتاه منظوم و مثنوی (بیشتر مثنوی) بود. با موضوع‌های متنوع. خلاصه، کشکولی بود خواندنی، در حد کتابی شد که می‌خواست همان نوشته‌ها را منتشر کند، که این کار را کرده است.

دو دیگر؛ پیشنهاد کرد بیاییم «خدا باوری در شعر فروغ فرخزاده» را در ادب و هنر کیهان هوایی مطرح کنیم. با وجود حساسیت‌های داغ نسبت به فروغ، پذیرفتم. میزگرد با حضور پرویز عباسی داکانی، ضیاءالدین ترابی و عبدالعظیم صاعدی تشکیل شد. بنده هم میزبان بودم. حاصل میزگرد به صورت مبسوط در یک شماره ادب و هنر کیهان هوایی چاپ و استقبال گسترده‌ای از این ابتکار و بدعت شد و البته برخی از افراد با دماغ سیاسی محض نیز بداستقبال بودند. همان میزگرد را آقای ترابی در کتابی که درباره فروغ چاپ کرد، گنجانده. سال‌ها بعد خود صاعدی نیز کتابی با همین عنوان چاپ کرد و مانند ترابی آن میزگرد را اضافه کرد.

استمرار ارتباط در هفته نامه، به دوستی نزدیک انجامید، زیرا از نظر فکری و سلوک رفتاری قرابت‌های بین ما دو تن سبب انس و الفت بیشتر شد. اکنون که این نکته‌ها را می‌نویسم، شکر خدای را که رفاقت ما همچنان گرم است و با حسن نیت به این روابط ساده و صمیمی می‌نگریم و به تفاوت دیدگاه ممکن نیز احترام می‌گذاریم.

از جمله همین ویژگی‌های مشترک سبب شد تا عبدالعظیم نقدهای بنده بر دفاتر شعرش را با بزرگواری بنگرد و نقدهای صوری و مضمونی و محتوایی را بدون پیش داوری‌های متداول و خالی از اغراض «دوستی و غیر دوستی» ارزیابی کند.

سرانجام هم منجر شد به این برنامه که بنشینیم تک تک آثارش را بررسی کنیم و این بنده یافته و دریافت‌هایم را درباره هر اثر و در جای لازم به کلیت دیدگاه منتشر در آثارش تسری بخشم.